اخبار

نشست وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی در دوحه

وزیر امور خارجه کشورمان دیروز در نشست وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی در دوحه شرکت کرد.

بعدازظهر دیروز نشست وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی به منظور بررسی تجاوز رژیم صهیونیستی به قطر در شهر دوحه آغاز شد.

سیدعباس عراقچی نیز به عنوان نماینده ایران در این نشست شرکت کرد.

عراقچی پیش از آغاز نشست با برخی همتایان خود از کشورهای عربی و اسلامی دیدار کرد.

قرار است امروز نشست سران کشورهای اسلامی و عربی برگزار شود و مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان در این نشست شرکت خواهد کرد.

بیانیه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی درباره تفاهم ایران و آژانس

دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در بیانیه‌ای درباره تفاهم اخیر ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نوشت: متن این ترتیبات در کمیته هسته‌ای شورای عالی امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفته است.

دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در بیانیه‌ای درباره ترتیبات امضا شده میان دکتر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان و رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره نحوه تعامل بین ایران و آژانس در شرایط جدید (بعد از حملات نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان جمهوری اسلامی ایران) نکاتی را بیان کرد.

در این بیانیه آمده است: متن این ترتیبات در کمیته هسته‌ای شورای عالی امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفته و آنچه به امضا رسیده، در مجموع همان چیزی است که مصوب این کمیته بوده است.

دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی افزود: کمیته هسته‌ای که متشکل از مسؤولان ارشد نهادهای مختلف ذی‌ربط است، در همه ادوار از جانب شورای عالی امنیت ملی مأذون به تصمیم‌گیری بوده و در این زمان نیز مطابق روال معمول عمل کرده است.

این بیانیه می‌افزاید: درباره تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت آژانس ایران که از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی مورد حمله واقع شده است:

اولاً پس از ایجاد شرایط لازم امنیتی و ایمنی، ایران صرفاً گزارش خود را پس از کسب نظر شورای عالی امنیت ملی به آژانس ارائه می‌کند.

ثانیاً در مرحله بعد، روش‌های اجرایی همکاری بین ایران و آژانس درباره گزارش ارسالی به آژانس، باید میان طرفین توافق شده و از جمله طبق رویه داخلی اجرای هر گونه اقدامی باید به تأیید شورای عالی امنیت ملی برسد.

شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: در صورت اتخاذ هر گونه اقدام خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران و تأسیسات هسته‌ای، از جمله بازگرداندن قطعنامه‌های مختومه شورای امنیت، اجرای این ترتیبات متوقف می‌شود.

ایران ادعاهای بی‌اساس گروه ۷ و شرکای آن را رد کرد

وزارت امور خارجه ضمن رد و محکوم کردن ادعاهای بی‌اساس گروه ۷ و شرکای آن درباره ایران اعلام کرد: آنها باید پاسخگوی عملکردهای ناشایست خود در به مخاطره انداختن ثبات و امنیت منطقه و جهان بویژه به دلیل همدستی و شراکت در نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل شامل حقوق بشردوستانه و حقوق بشر توسط رژیم صهیونیستی، همچنین حمایت از تروریست‌های سابقه‌دار باشند.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران صبح دیروز ادعاهای مندرج در بیانیه مشترک اعضای گروه ۷ و شرکای آن درباره جمهوری اسلامی ایران را بی‌اساس، غیرمسؤولانه و فرافکنی محض خواند و آن را محکوم کرد. گروه ۷ و شرکای آن جمعه ۲۱ شهریور در بیانیه‌ای مشترک به طرح ادعاهای بی‌اساس علیه ایران پرداخته و ایران را به انجام «فعالیت‌های مخرب» متهم کردند. این بیانیه از سوی کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، انگلیس، آمریکا و اتحادیه اروپایی و اعضای همکار «سازوکار واکنش سریع گروه ۷» یعنی استرالیا و نیوزیلند صادر شده است.

وزارت امور خارجه در بیانیه‌ای در این باره اعلام کرد: طرح اتهام‌های واهی علیه متولیان حفاظت از امنیت ملی ایران، تحریف آشکار واقعیت‌ها و فرافکنی مزورانه بانیان چنین بیانیه‌هایی است که با رفتارهای غیرقانونی و بی‌ثبات‌کننده خود در مناطق مختلف جهان خصوصا در منطقه غرب آسیا، موجب ترویج قانون‌شکنی و تشدید ناامنی شده‌اند.

در این بیانیه آمده است: بدون تردید آمریکا و دیگر اعضای گروه ۷ باید پاسخگوی عملکردهای ناشایست خود در به مخاطره انداختن ثبات و امنیت منطقه و جهان بویژه به دلیل همدستی و شراکت در نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل شامل حقوق بشردوستانه و حقوق بشر توسط رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی، همچنین به خاطر حمایت از تروریست‌های سابقه‌دار باشند.

در بیانیه مزبور آمده است: در وضعیتی که رژیم صهیونیستی با برخورداری از حمایت همه‌جانبه آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و دیگر کشورهای بانی این بیانیه ضدایرانی، مشغول کشتار و نسل‌کشی در فلسطین اشغالی و جنگ‌افروزی مستمر علیه کشورهای منطقه است، صدور بیانیه‌های ضدایرانی هدفی جز انحراف اذهان عمومی از جنایت قرن و همدستی بانیان این بیانیه در نسل‌کشی ندارد.

در پایان این بیانیه عنوان شده است: بانیان چنین بیانیه‌های غیرمسؤولانه‌ای به جای اصرار بر فرافکنی ناشی از ذهنیت‌های کهنه خودبرترپندارانه و استعماری، باید سیاست‌های اشتباه و مجرمانه خود را در قبال ایران و منطقه تصحیح کنند.

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ کشورهای منطقه برای مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی چه اقداماتی باید انجام دهند

بیدارباش!

شبکه المیادین شامگاه شنبه ۲۲ شهریور خبر داد علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران بزودی عازم عربستان خواهد شد. با توجه به تحولات اخیر منطقه غرب آسیا، بویژه جنگ‌افروزی‌های رژیم صهیونیستی، این سفر بسیار مهم ارزیابی می‌شود اما محورهای احتمالی مورد بحث در دیدارهای لاریجانی و سران سعودی چیست؟

به گزارش «وطن امروز»، ایران و عربستان سعودی اسفند سال ۱۴۰۱ در پکن یک توافقنامه ۳ جانبه مهم امضا کردند. در این توافقنامه که از سوی ایران توسط علی شمخانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی امضا شد، ایران و عربستان پس از ۷ سال مناسبات سیاسی خود را احیا کردند. طی این توافقنامه سفارتخانه‌های ۲ کشور بازگشایی شد و به عبارتی روابط طرفین به شرایط عادی بازگشت.

البته مذاکرات ایران و عربستان برای عادی‌سازی روابط از ۲ سال قبل‌تر از آن با میانجیگری عراق آغاز شده بود اما در نهایت، طرفین تمایل خود را برای میانجیگری چین ابراز کردند. در واقع میانجیگری چین، هم تضمینی محکم از سوی طرفین برای پایبندی به مفاد این توافقنامه بود و هم تمایل سعودی برای ایفای نقشی جدی‌تر توسط چین در تحولات منطقه غرب آسیا را نشان می‌داد؛ اقدامی که به اعتقاد کارشناسان، نوعی چرخش سیاست‌های عربستان نسبت به آمریکا ارزیابی شد، البته وضعیت مناسبات میان عربستان سعودی و یمن نیز در تمایل ریاض برای توافق با ایران بسیار موثر بود. عربستان سعودی با تولید روزانه ۱۲ میلیون بشکه نفت، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت دنیا به حساب می‌آید. از همین رو نیاز جدی به تامین امنیت تولید نفت و همچنین فروش آن داشت. جنگ ۷ ساله با حوثی‌ها در یمن، یک شکست فاحش در سیاست خارجی عربستان بود و از همین رو محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی نیاز داشت ایران از طریق نفوذ خود در یمن، حوثی‌ها را راضی کند با عربستان ترک مخاصمه کنند. ایران نیز در راستای بهبود مناسبات با همسایگان و استفاده از ظرفیت آنها برای مقابله با سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی، نسبت به عادی‌سازی روابط با عربستان تمایل نشان داد، بنابراین توافق میان ایران و عربستان با میانجیگری چین، یک تحول جدی در مناسبات غرب آسیا بود. بازگشایی سفارتخانه‌های طرفین و همچنین دیدارهای مقامات ۲ کشور، باعث شد یک روابط پایدار بین تهران و ریاض برقرار شود. با این حال اما پس از ۷ اکتبر و جنگ رژیم صهیونیستی علیه مقاومت، عربستان سعودی بعضا اقداماتی انجام داد که مغایر توافق با ایران بود. اوج این اقدامات، در ماه‌های اخیر و دخالت سعودی در تحولات لبنان رقم خورد. عربستان سعودی فشار سنگینی بر دولت لبنان و همچنین گروه‌های سنی در این کشور وارد کرده است تا موضوع خلع سلاح حزب‌الله لبنان را عملی و محقق کنند. این اقدام سعودی برخلاف توافقنامه با ایران بود. روزنامه لبنانی الاخبار اخیرا در گزارشی، با اشاره به اینکه عربستان در پرونده خلع سلاح مقاومت لبنان کاملا همسو با آمریکا و رژیم صهیونیستی حرکت می‌کند، تاکید کرد ریاض در این پرونده پا را از حد فراتر گذاشته و احزاب مخالف حزب‌الله را به هر اقدامی، حتی ریختن به خیابان‌ها تحریک می‌کند. بنابراین یکی از ماموریت‌های لاریجانی در سفر به عربستان، تلاش برای تجدیدنظر ریاض نسبت به این سیاست مداخله‌جویانه در لبنان است.

از سوی دیگر اخیرا برخی منابع یمنی و همچنین برخی رسانه‌های عربی فاش کردند عربستان سعودی در جنگ میان یمن و رژیم صهیونیستی، عملا جانب تل‌آویو را گرفته و اقدام به رهگیری موشک‌های انصارالله کرده است. بنابراین در سفر لاریجانی به احتمال زیاد این موضوع نیز مطرح خواهد شد.

بنابراین در سفر لاریجانی به ریاض، احتمالا به طرف سعودی گوشزد خواهد شد این اقدامات آنها علیه جبهه مقاومت، برخلاف توافق این کشور با ایران است و سعودی اگر خواهان اجرای مفاد این توافقنامه است، باید حتما در سیاست‌ها و اقدامات خود علیه حزب‌الله و یمن، تجدیدنظر کند.

■ اسرائیل، دشمن مشترک

یکی دیگر از محورهای احتمالی سفر لاریجانی به عربستان، موضوع اقدامات خطرناک رژیم صهیونیستی در منطقه بویژه حمله اخیر رژیم به قطر است. رژیم صهیونیستی با حمله به قطر نشان داد استراتژی خود در قبال منطقه را تغییر داده و به دنبال توسعه سلطه‌طلبی در غرب آسیا است. اگرچه حملات چند ماه گذشته جنگنده‌های این رژیم به سوریه و هدف قرار دادن کاخ ریاست‌جمهوری دمشق و ساختمان وزارت دفاع سوریه، یک زنگ خطر جدی برای همه کشورهای منطقه بود اما تهاجم این رژیم به قطر، استراتژی جدید تل‌آویو علیه کشورهای منطقه را به وضوح آشکار کرد.

برخی مواضع خطرناک رژیم صهیونیستی مانند اظهارات نتانیاهو مبنی بر تلاش برای تحقق ایده اسرائیل بزرگ نیز، در همین راستا ارزیابی می‌شود. بر اساس ایده اسرائیل بزرگ، بخش وسیعی از غرب و شمال خاک عربستان، تحت اشغال رژیم صهیونیستی در خواهد آمد.

به هر حال، اکنون مشخص شده است برخلاف القائات دهه‌های اخیر آمریکا در منطقه مبنی بر اینکه ایران تهدید اصلی کشورهای عرب است؛ اکنون حکام عرب به این نتیجه رسیده‌اند تهدید اول منطقه، رژیم صهیونیستی است. آنچه این تهدید را جدی‌تر می‌کند، هماهنگی و همراهی آمریکا با سلطه‌طلبی رژیم صهیونیستی بر منطقه است. حمله رژیم صهیونیستی به قطر باعث شد این ایده که تضمین آمریکا، مهم‌ترین مانع بر سر راه سلطه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی است، رنگ ببازد. بنابراین کشورهای عرب اکنون با شرایطی مواجه هستند که رژیم صهیونیستی تبدیل به یک خطر بالفعل برای موجودیت این کشورها و حکومت آنها شده است و این کشورها برای مقابله با این خطر، ۲ راه بیشتر ندارند: یا پذیرش بی‌چون و چرای زیاده‌خواهی‌های آمریکا یا هم‌افزایی این کشورها با سایر کشورهای اسلامی منطقه و تشکیل یک ائتلاف و پیمان نظامی - امنیتی برای مهار خطرات و تهدیدات رژیم صهیونیستی. به نظر می‌رسد علی لاریجانی در سفر به ریاض، با سران سعودی درباره ضرورت تشکیل پیمان‌های امنیتی منطقه‌ای در مقابل رژیم صهیونیستی صحبت خواهد کرد. ایران با توجه به سابقه چنددهه‌ای در زمینه مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی و آمریکا، ایده‌ها و پیشنهادات موثری برای عربستان سعودی و سایر کشورهای منطقه دارد. کما اینکه دست‌کم در یک دهه اخیر، ایران به این کشورها پیشنهاد تشکیل یک ائتلاف دفاعی - امنیتی داده بود. اکنون که دیدگاه‌های ایران درباره ماهیت سلطه‌طلبانه سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه ثابت شده است، کشورهای منطقه می‌توانند به سیاست‌ها و ایده‌های ایران در این زمینه اعتماد کنند. در این راستا، قطعا یکی از ایده‌ها برای مهار تهدیدات رژیم صهیونیستی، حمایت از جبهه مقاومت و تقویت آن، یا دست‌کم تجدیدنظر در سیاست تضعیف جبهه مقاومت از سوی کشورهای عرب منطقه است.

اکنون برای همه بازیگران منطقه روشن شده جبهه مقاومت، اصلی‌ترین، مهم‌ترین و قوی‌ترین مانع سلطه‌طلبی و دست‌درازی رژیم صهیونیستی است. بر همین اساس، قطعا تقویت جبهه مقاومت، به‌صورت مستقیم بر تضعیف سیاست‌ها و راهبردهای خطرناک رژیم صهیونیستی برای منطقه، اثرگذار خواهد بود. در این راستا، عربستان سعودی به واسطه نفوذی که در سایر کشورهای عرب منطقه دارد، می‌تواند نقش‌آفرینی موثری داشته باشد. پس از حمله رژیم صهیونیستی به قطر، مقامات ریاض باید به این نتیجه رسیده باشند هر نوع فشار برای تضعیف مقاومت بویژه حزب‌الله لبنان یا انصارالله یمن، دقیقا در راستای سیاست‌ها و اقدامات رژیم صهیونیستی تعریف می‌شود و تقویت سیاست‌ها و مواضع رژیم صهیونیستی خود به خود باعث افزایش خطر موجودیتی برای عربستان سعودی خواهد شد، لذا منطقی است در این شرایط، مقامات عربستان در سیاست‌های خود نسبت به جبهه مقاومت، بویژه انصارالله و حزب‌الله تجدیدنظر کنند. بدون تردید تجدیدنظر عربستان سعودی درباره یمن و لبنان، تا حد زیادی بر تحولات منطقه اثر خواهد گذاشت.

■ قطع همکاری اقتصادی با رژیم صهیونیستی

غیر از موضوعات مربوط به جبهه مقاومت، عربستان سعودی با توجه به تحولات اخیر منطقه می‌تواند برخی محدودیت‌ها را نسبت به رژیم صهیونیستی اعمال کند. عربستان با وجود اینکه هنوز به صورت رسمی با رژیم صهیونیستی ارتباط سیاسی ندارد اما مراودات اقتصادی مهمی با آن دارد. یکی از این مراودات، مسیر ترانزیتی واردات رژیم صهیونیستی است که از خلیج‌فارس به صورت زمینی از خاک عربستان سعودی وارد سرزمین اشغالی می‌شود. از سوی دیگر، پس از مرگ عبدالله و حضور سلمان و پسرش محمد در قدرت، برخی منابع از حضور شرکت‌ها و برندهای رژیم صهیونیستی در خاک عربستان و سرمایه‌گذاری در این کشور خبر داده‌اند. قطع این قبیل همکاری‌های اقتصادی، یکی از امکاناتی است که عربستان سعودی می‌تواند برای مقابله با سلطه‌طلبی رژیم صهیونیستی در منطقه انجام دهد.

به هر حال اکنون شرایط غرب آسیا به‌گونه‌ای است که همه واقعیات برای همه بازیگران شفاف و آشکار شده است.

ایالات متحده از طریق رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد و اعمال یک نظم جدید در غرب آسیا است. در این نظم جدید، قرار است رژیم صهیونیستی به عنوان هژمون اصلی منطقه تعریف و سلطه رژیم بر کشورهای منطقه تثبیت شود. رفتارهای نمایشی ترامپ دیگر مورد پذیرش کشورهای منطقه نیست و همه می‌دانند اتفاقا پشت پرده راهبرد جنگ‌افروزی نتانیاهو، شخص ترامپ قرار دارد. کشورهای منطقه اکنون ناگزیرند تصمیم نهایی خود را نسبت به تلاش آمریکا برای این نظم جدید اتخاذ کنند.

بنابراین یا باید سلطه رژیم صهیونیستی بر خود را بپذیرند یا با اتکا به توان داخلی و هم‌افزایی با کشورهای منطقه یا قدرت‌هایی مانند چین و روسیه، با این استراتژی جدید آمریکا مقابله کنند.

راه سومی وجود ندارد. اگر این کشورها اکنون به فکر چاره نباشند، بدون تردید پایتخت‌های آنها، هدف بعدی جنگنده‌ها و موشک‌های رژیم صهیونیستی خواهد بود. در میان کشورهای منطقه، شاید هیچ کشوری به اندازه قطر، در بین هیات حاکمه و اعضای دولت جدید آمریکا نفوذ نداشته باشد. برخی مقامات دولت ترامپ و حتی نزدیکان او، در قطر منافع اقتصادی دارند و تجارت شخصی خود را در این کشور انجام می‌دهند. قطر میزبان بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه است و حدود ۱۰هزار نظامی آمریکایی در این کشور حضور دارند. پایگاه مرکزی سنتکام در غرب آسیا نیز در پایگاه نظامی العدید قطر دایر شده است. با این حال اما حمله رژیم صهیونیستی به قطر نشان داد نه‌تنها همکاری‌های گسترده امنیتی، سیاسی و اقتصادی تضمینی برای حفظ امنیت حکومت آل‌ثانی نیست، بلکه حضور نظامی آمریکا در این کشور، یک خطر بالقوه برای موجودیت قطر نیز به شمار می‌رود. جنگنده‌های رژیم صهیونیستی برای حمله به قطر، با سنتکام هماهنگ شده بودند و این واقعیت باید مقامات قطر را به فکر وا دارد که آنها در عمل و در واقعیت، تا چه اندازه امکان این را دارند که در مقابل یک تهدید خارجی، استقلال عمل داشته باشند. تصور کنید مقامات قطر تصمیم بگیرند به حمله رژیم صهیونیستی واکنش متقابل نشان داده و به این رژیم حمله کنند. قطعا برای انجام این کار، در وهله اول باید رضایت آمریکا را اخذ کنند؛ کسب رضایت نه فقط برای موافقت سیاسی با اصل حمله به رژیم صهیونیستی، بلکه کسب رضایت برای فراهم شدن امکان حمله به رژیم صهیونیستی. به عبارت ساده‌تر، اگر مقامات قطر در نهایت تصمیم بگیرند در واکنش به حمله رژیم صهیونیستی، اقدام متقابل نظامی انجام بدهند تا رضایت و موافقت آمریکا را کسب نکنند، عملا امکان انجام این حمله را ندارند، چراکه با وجود حضور سنتکام در این کشور و تجهیزات راداری و هوایی آمریکا در خاک قطر، ارتش قطر امکان بلند کردن جنگنده‌های خود از خاک خود را ندارد!

این یک درس عبرت بزرگ برای کشورهای عرب است. در واقع حضور نظامی آمریکا در این کشورها، به یک خطر بالقوه برای این کشورها تبدیل شده است.

بر همین اساس ایران اکنون به آنها گوشزد می‌کند برای برطرف کردن این تهدیدات باید به فکر چاره باشند. احمقانه‌ترین ایده برای عبور از شرایط فعلی، اعتماد به آمریکا و تلاش برای جلب رضایت ترامپ برای متوقف کردن نتانیاهو است، چرا که همانگونه که گفته شد، تحلیل عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر درباره تحولات اخیر منطقه و جنگ‌افروزی‌های رژیم صهیونیستی در منطقه، این است که این اقدامات، در اصل سفارش ترامپ به نتانیاهو است.

در مجموع، واقعیت‌های منطقه اکنون به صورت واضح در مقابل دیدگان سران این کشورها قرار دارد. تنها راه برون‌رفت از بحران فعلی نیز برای آنها مشهود و ممکن است.

بدون تردید اگر اعراب اکنون به فکر چاره نباشند و بیدار نشوند؛ بزودی با صدای جنگنده‌ها و موشک‌های رژیم صهیونیستی در آسمان پایتخت‌های خود بیدار خواهند شد. عربستان سعودی به واسطه نفوذی که در میان کشورهای منطقه دارد، می‌تواند نقش تاریخی خود را در این برهه ایفا کند.

رئیس شورای علمی بزرگ‌ترین مؤسسه تحقیقاتی رژیم صهیونیستی اعتراف کرد بر اثر اصابت موشک‌های ایران، به ۵۰ آزمایشگاه این مؤسسه خسارات هنگفت جبران‌ناپذیر وارد شده است

رازهای ناتمام وایزمن

حسین کیامنش

با گذشت نزدیک ۳ ماه از پایان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونی علیه ایران، ابعاد گسترده و عمیق حملات موشکی ایران به سرزمین اشغالی همچنان در حال آشکار شدن است و هر روز واقعیت‌های جدیدی از میزان خسارات و تأثیرات استراتژیک این حملات نمایان می‌شود.

نیر دیویدزون، رئیس شورای علمی موسسه تحقیقاتی وایزمن، در روزهای اخیر در اظهاراتی، به خسارات بی‌سابقه واردشده به این مرکز علمی برجسته اذعان کرده و از آسیب به ۵۰ آزمایشگاه و نابودی زیرساخت‌های تحقیقاتی خبر داده است.

■ ضربه به قلب علمی رژیم

موسسه تحقیقاتی وایزمن، در جریان حملات موشکی ایران، هدف حمله‌ای دقیق و ویرانگر قرار گرفت. دیویدزون اعلام کرده ۲ موشک بالستیک ایرانی مستقیما به تأسیسات وایزمن اصابت کرده و خسارات عظیمی به زیرساخت‌های علمی این مرکز وارد آورده است. به گفته وی، ۵۰ آزمایشگاه این موسسه آسیب دیده، تجهیزات پیشرفته آزمایشگاهی نابود شده و داده‌های علمی ارزشمندی که نتیجه سال‌ها پژوهش بوده، به کلی از بین رفته است.

این خسارات به حدی شدید است که فعالیت‌های علمی وایزمن عملا به حالت تعلیق درآمده و دانشجویان و پژوهشگران این موسسه بدون تجهیزات و داده‌های لازم، هیچ فعالیتی ندارند. دیویدزون این خسارات را «جبران‌ناپذیر» توصیف کرد و هشدار داد بازسازی این زیرساخت‌ها ممکن است سال‌ها طول بکشد.

پیش‌تر، الون حاین، رئیس موسسه وایزمن نیز، به ابعاد مالی این فاجعه صهیونیست‌ها اشاره کرده بود. او برآورد کرد خسارات مالی وارد شده به آزمایشگاه‌ها و ساختمان‌های این مرکز بین ۴۰۰ تا ۵۴۰ میلیون دلار (یک و نیم تا ۲ میلیارد شِکِل) است.

این رقم هنگفت نشان‌دهنده شدت تخریب فیزیکی ناشی از حملات موشکی ایران است. حاین تأکید کرد این خسارات نه‌تنها به زیرساخت‌های فیزیکی، بلکه به توانایی وایزمن برای ادامه تحقیقات پیشرفته ضربه زده است. او همچنین به چالش‌های بازسازی اشاره کرد و گفت فقدان منابع مالی و حمایت‌های بین‌المللی، روند احیای این موسسه را دشوارتر کرده است.

علاوه بر خسارات مادی و علمی، وایزمن با یک بحران عمیق‌تر مواجه شده است: انزوای بین‌المللی. دیویدزون اعلام کرده بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی برجسته جهان از همکاری با وایزمن خودداری می‌کنند. این تحریم‌های علمی مشخصا توانایی این موسسه برای بازسازی و بازیابی جایگاه خود را بشدت محدود کرده است. این انزوا نه‌تنها وایزمن، بلکه کل اکوسیستم علمی رژیم را در معرض خطر قرار داده و نشان‌دهنده تأثیرات چندلایه و بلندمدت حملات ایران است.

■ چرا وایزمن؟

موسسه وایزمن، واقع در شهر رحووت، یکی از ستون‌های اصلی پیشرفت علمی و فناوری در اسرائیل است. این موسسه که سال ۱۹۳۴ تأسیس شد، در حوزه‌های علوم طبیعی، ریاضیات، فیزیک، شیمی، زیست‌فناوری و علوم کامپیوتر شهرت جهانی دارد و با دانشگاه‌های برتر جهان همکاری‌های گسترده‌ای داشته. وایزمن نه‌تنها در تولید دانش پیشرفته، بلکه در توسعه فناوری‌های نوین نقش کلیدی ایفا کرده است. بسیاری از نوآوری‌های این موسسه، از جمله در زمینه فناوری‌های نظامی، به صورت مستقیم در خدمت اهداف استراتژیک رژیم صهیونیستی بوده است. برای مثال، فناوری‌های توسعه‌یافته در وایزمن به پیشرفت‌هایی در حوزه‌های دفاعی و سایبری اسرائیل کمک کرده و این موسسه را به یکی از دارایی‌های حیاتی رژیم تبدیل کرده است.

انتخاب وایزمن به عنوان هدف حملات موشکی، نشان‌دهنده دقت و استراتژی حساب‌شده ایران در هدف‌گیری نقاط حساس و کلیدی رژیم است. تخریب ۵۰ آزمایشگاه و نابودی داده‌های علمی، به‌معنای توقف پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته و تأخیرهای طولانی در پیشرفت‌های علمی و نظامی فلسطین اشغالی است. این حمله نه‌تنها زیرساخت‌های فیزیکی وایزمن را هدف قرار داده، بلکه توانایی اسرائیل برای حفظ برتری علمی و فناوری خود در عرصه جهانی را بشدت تضعیف کرده است. به عبارت بهتر، از دست رفتن داده‌های تحقیقاتی - که گاه نتیجه دهه‌ها کار مداوم بوده، ضربه‌ای غیرقابل جبران به جایگاه علمی رژیم وارد کرده است.

■ افشاگری هاآرتص؛ سانسور نظامی و ابعاد پنهان حملات ایران

همزمان با اذعان رئیس شورای علمی وایزمن، روزنامه صهیونیستی هاآرتص نیز در گزارشی افشاگرانه، پرده از تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای پنهان کردن ابعاد واقعی حملات موشکی ایران برداشت. بر اساس این گزارش، ایران در طول جنگ ۱۲ روزه، ۵۳۰ موشک بالستیک در ۴۲ موج به سمت سرزمین اشغالی شلیک کرد. با این حال، رژیم صهیونیستی با اعمال سانسور شدید نظامی، از انتشار جزئیات دقیق محل‌های اصابت این موشک‌ها جلوگیری کرده است. این سانسور به حدی گسترده بوده که حتی رسانه‌های داخلی اسرائیل، از جمله هاآرتص، برای دسترسی به اطلاعات کامل با محدودیت‌های جدی مواجه شده‌اند. در این میان، ۲ پژوهشگر آمریکایی، کوری شار و جایمن فان دن هوک، با تخصص در تحلیل تصاویر ماهواره‌ای مناطق جنگی، موفق به شناسایی ۱۰ محل اصابت جدید شده‌اند که پیش‌تر از سوی مقامات رژیم اعلام نشده بود. این یافته‌ها توسط یک منبع نظامی اسرائیلی تأیید شده و نشان می‌دهد موشک‌های ایرانی با دقت بالایی به اهداف خود، از جمله پایگاه‌های نظامی و زیرساخت‌های حساس اصابت کرده‌اند. این افشاگری‌ها در شرایطی رخ داده که رژیم صهیونیستی همچنان تلاش می‌کند با کنترل جریان اطلاعات، روایتی محدود و مدیریت‌شده از جنگ ۱۲ روزه ارائه دهد.

■ سانسور و واقعیت‌های پنهان

اذعان رسانه برجسته اسرائیلی (هاآرتص) به پنهان‌کاری رژیم صهیونیستی، نشانه‌ای آشکار از شکاف در روایت رسمی این رژیم است. در حالی که دولت صهیونیستی تلاش کرده با سانسور نظامی، تصویری از اقتدار و کنترل اوضاع ارائه دهد، افشای محل‌های اصابت جدید توسط پژوهشگران مستقل و تأیید آنها توسط منابع نظامی، ناکامی این استراتژی را آشکار کرده است. این موضوع نه‌تنها به قدرت و دقت حملات موشکی ایران اشاره دارد، بلکه نشان‌دهنده ناتوانی رژیم صهیونیستی در مدیریت افکار عمومی و کنترل روایات رسانه‌ای است.

آمار اعلام‌شده توسط هاآرتص – ۵۳۰ موشک در ۴۲ موج – تنها بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد. با توجه به سانسور شدید، می‌توان فرض کرد تعداد واقعی اهداف مورد اصابت و میزان خسارات بسیار بیشتر از آن چیزی است که رسانه‌های رسمی رژیم اذعان کرده‌اند. این موضوع بویژه زمانی برجسته‌تر می‌شود که به خسارات وایزمن نگاه کنیم؛ جایی که رژیم صهیونیستی ابتدا تلاش کرد خسارات را کم‌اهمیت جلوه دهد اما در نهایت مجبور به پذیرش واقعیت شد. این الگو نشان می‌دهد اطلاعات منتشرشده تنها نوک کوه یخ است و ابعاد واقعی خسارات احتمالاً بسیار گسترده‌تر است.

در مجموع با توجه به ابعاد جدیدی که از حملات ایران به سرزمین اشغالی روشن شده، می‌توان با اطمینان گفت حملات موشکی ایران به اسرائیل که در پاسخ به حملات این رژیم به کشورمان انجام گرفت، فراتر از یک اقدام نظامی بوده و تأثیرات عمیق سیاسی، علمی، اقتصادی و روانی بر جا گذاشته است. با توجه به اینکه ابعاد واقعی این حملات همچنان در حال آشکار شدن است، می‌توان انتظار داشت در آینده، اطلاعات بیشتری از عمق خسارات و تأثیرات استراتژیک این حملات منتشر شود؛ واقعیتی که رژیم صهیونیستی با تمام توان تلاش می‌کند آن را از چشم جهانیان پنهان نگه دارد.